

# یک سند تاریخی

مربوط به

معامله ملکی شاه طهماسب دوم صفوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

از

سر هنگ بازنشسته - بایبوردی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرنال جامع علوم انسانی

## بگ سمند قاریخی

### مربوط بمعاملة ملكی شاه طهماسب دوم صفوی

قبل از آنکه بمتن و مندرجات سندی که مورد بحث است وارد شویم مقدمه باید وضع زمان و مکان را در نظر گرفت که سال ۱۱۳۴ هجری قمریست اوضاع دربار شاه سلطان حسین روز بروز و ساعت بساعت خرابتر شده بطوریکه در عرض بیست روز سه ولیعهد عوض کرده بالاخره طهماسب میرزا فرزند کوچک اعلیحضرت در ۲۷ رجب ۱۱۳۴ بولایتعهدی تعیین و اوچند روز دیگر در ۲۳ رمضان المبارک شبانه و محرمانه بایکعده از رجال دربار و اسکورت اصفهانرا، بقصد قزوین و جمع آوری کمک و قوا از آذربایجان و گیلان و مازندران، ترك و بعد از چهار ماه باوصول خبر سقوط اصفهان و تسلیم شاه سلطان حسین (۱۱ محرم ۱۱۳۵) در آخر همین ماه بنام شاه طهماسب ثانی در قزوین بتخت سلطنت جلوس نمود. بدیهی است در اینمدت شاه طهماسب از جهت پول و مخارج در مضیقه بود، بنابراین فروش دودانگ از املاک اختصاصی به بیست و پنج تومان آنروز که امروز بیش از هزار برابر آن میشود (یعنی همین قریه هبق خانمرود امروز دانگی بیش از بیست هزار تومان ارزش دارد) قابل توجه است.

قسمت دیگر طرز معامله درباری است که مستوفی الممالک بوکالت

سنیه در محضر شرع حاضر شده و سپس اعلیحضرت نیز حاشیه سند را مزین و تنفیذ فرموده اند .

ووجه معامله به پیشکار خاصه تحویل شده .

و بر خلاف فرامین سلاطین سلف صفوی کلمه الله و اسم شاه خارج از متن قباله قرار گرفته و اعلیحضرت تمام خیارات فسخ و غبن خود را به يك تومان صلح و سند را قطعی نموده است .

تبصره - هریس و خانم رود که قریه هبق جزو آنست جزو بلوکات ارسباران میباشد که نگارنده تاریخ و جغرافیای آنرا نوشته ام و خانم رود گاهی جزو سراب و گاهی تابع تبریز هم منظور میشود .

### هو ، تعالی شأنه العلی العالی الاعلی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله مالك الملك ورب العالمين خالق السموات سبعاً ومن الارضين مثلهن و اجري ينابيع الحكم على الناس المنتجبين .... و هدى الى مشاع الشرايع لانتجاتهم عن هو اجرهم ضمايوم الدين والصلوة والسلام على محمد رسوله الصادق المصدق الامين وآله واصحابه الانجبين و بعد از شعاع اين خطاب مستطاب که از لمعات آن آثار صدق شارق و بارقست طليعه اين معنى لامع ميگردهد که در اسعد ساعات مقرون بخير و برکات فروخت بمبايعه صحيحه لازمه جازمه اسلاميه و کيل جليل نبيل جميل و ثيق انيق معتمد ثابت الوکاله نواب کامياب سپهر رکاب صاحبقرانى اعنى اعلیحضرت کيوان رفعت جمشيد حشمت فريدون شوکت سکندر شأن دارا دربان آفتاب تابان ملك جهانبنانى ماه درخشان سپهر کيتى ستانى مظهر الطاف گوهر درج شاهنشاهى مزین سرير سلطنت الکبرى والخلافة العظمى سلطان

السلطين قهرمان الماء والطین ناصرالدين المبین ظل الله تعالى فى الارضین (السلطان بن السلطان والخواقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمؤید شاه طهماسب الحسينى الموسوى الصفوى بهادرخان خلد ملكه وسلطانہ) بعزت و سعادت پناهان دور محمد ولد احمدخان وحسين خان ولد حمزه خان و عليخان ولدنقدى ومعضوم خان ولد گل محمد وصفى خان ولد خان گلدى همگى وتمايى دودانگك مشاع از جمله ششدانگك كل قريه معينه معلومه مدعو بقريه هيق من محال خانمروود نواحى دارالسلطنه تبريزرا كه در محل وقوع غنيه از ذكر حد و وصف است و باخبار مشترىون محدود ميشود جنوباً بقريه براوش و شمالاً بقريه خانقاه و شرقاً بقريه قراچولو وغرباً بقريه هراانان با جميع توابع شرعيه ولواحق مليه از ممر ومدخل و شرب تابعه و مشارب و اراضى وصحارى وجداول وانهار واعناب واشجار وقشلاقات ودمكده و طواحين وعمارات وغير ذلك ممايعد من التوابع بقدر الحصره الشايعة المزبوره بشمن مبلغ بيست و پنج تومان تبريزى فضى جديد الضرب مبايعه صحيحه و معاقده صريجه و ضمان الدرك من الملتزمات فى المعاملات بحكم الشارع الصادع از خرج المبيع المزبور مستحقاً للغير كلاً او بعضاً عيناً او منفعةً ضماناً و بعد ذلك مصالحه دينيه نمود و كيل جليل نواب كامياب بسا مشترىون مذكورون از غبنى كه فرضاً در معامله مذكوره بوده باشد دانسته بمبلغ يك تومان تبريزى فضى جديد الضرب كه بانضمام ثمن معادل مبلغ بيست و شش تومان تبريزى فضى است كه دفعةً واحدهً باقباض و ايصال مشترىون و اصل و عايد و كيل مزبور شد و تمايى مبيع مزبور بمقتضاي عقدين مزبورين بحقيقت و ملكيت مشترىون مذكورون قرار و استقرار شرعيه گرفته و بعد احاطة علمهم

بمعنی الخیار و الاسقاط معترف شدند که اسقاط جمیع خیارات در معامله مذکور بین الطرفین شده و معترف شد و کیل مزبور که تمامی مراتب بامر و اذن نواب ثریا مکان از اوصادر شد و صیغه شرعیه جاری شد و حرره ذلك فی غرة شهر شوال سنه ۱۱۳۵

### حاشیه :

- معامله مذکوره و مبایعه مسطوره و سایر مراتب مرقومه را کمترین غلامزادگان قدیمی بوکالت بندگان نواب ثریا مکان صاحبقرانی روحیقده واقع ساخته مبلغ مزبور تمام و کمال و اصل سرکار خاصه شریفه گردید محل مهر عالیجاه مستوفی الممالک قیمت باطلاع سنیه فلکجهای خلائق امیدگناه و اصل سرکار خاصه شریفه شد محل مهر عالیجاه زیب نواب ایرانمداری و در حاشیه طرف چپ نوشته است برینموجب تنفیذ نمودم مهر نواب اشرف

معاذی سطر دوم درست راست :

موضع مهر مبارک اشرف و اقدس همایون اعلی  
مبیع مزبور یا توابع و لواحق شرعیه بمبایعه صحیحه علیه منتقل بمشتریان مزبور گردیده قیمت آن تمام و کمال و اصل سرکار خاصه شریفه شد ملک مزبور را بتصرف مشارالیهم گذارند.  
مهر آخوند نویسنده سند المتوکل علی الله العلی الاکبر عبده محمد محسن بن محمد جعفر.

مبک بلغ بدست ستمشوقه از تیری فغانی که از غمناز باقا ضابطه ای است

مستوفی  
مستوفی

خاکداری هر کس که در دستانش است اما که در بر معینش است

مخاطبان در زمان حال لطیفه که در محراب وقوع ضعیف است

مستوفی محاسبان در پیشگاه پیران شایسته الا بقیر خاتمه

توابع شریعی و مالی و حقوقی که از حقوق محققان و باطنی صحیح است

مستوفی  
مستوفی

عنه  
انها اول سجا وتسا اناك وى سكا  
والخ فوف ارتت عى طارا عى اناك وى سجا  
الذات

بهمب لى فليست  
بى فوف ارتت عى طارا عى اناك وى سجا  
الذات

والذات فوف ارتت عى طارا عى اناك وى سجا  
الذات

وهذا فوف ارتت عى طارا عى اناك وى سجا  
الذات

ماتكم بوف ارتت عى طارا عى اناك وى سجا  
الذات